

زندیه (۱۱۶۳ تا ۱۲۰۸ هجری قمری)

طایفه زند از طوایف گر بودند که در حدود قلعه پری از توابع ملایر می زیستند. بعد از قتل نادر

این طایفه قدرت یافتند و کریم خان زند توانست دولت زندیه را تشکیل دهد.

❖ کریم خان (۱۱۶۳ تا ۱۱۹۳ هجری قمری)

❖ علیمرادخان (۱۱۹۶ تا ۱۱۹۹ هجری قمری)

❖ جعفرخان (۱۱۹۹ تا ۱۲۰۳ هجری قمری)

❖ لطفعلی خان (۱۲۰۳ تا ۱۲۰۹ هجری قمری)

کریم خان (۱۱۶۳ تا ۱۱۹۳ هجری قمری)

در این دوره ایل بختیاری و زند اداره اصفهان را در دست داشتند و یکی از شاهزادگان

صفوی با نام شاه اسماعیل سوم به سلطنت برداشته بودند ولی به دنبال اختلافاتی که میان کریم خان و

بختیاری ها روی داد و جنگی که میان آنها در گرفت، کریم خان آنها را شکست داد و اصفهان

به دست او افتاد. سپس نواحی شمالی ایران را از تصرف محمدحسن خان قاجار بیرون آورد و بر

نواحی مرکزی ایران مسلط شد و توانست باقیمانده افغانه را از بین ببرد. او خود را وکیل الرعایا

خواند و شیراز را پایتخت خود قرار داد. دوره حکومت او مجموعاً آرام بود، از مالیات ها کاسته

شد و تجارت و صنعت رونق گرفت. در این دوره در شیراز بناهای متعددی ساخته شد که بازار

وکیل و مسجد وکیل و تجدید بنای مقابر سعدی و حافظ از آن جمله اند. در دوره کریم خان

برای احیاء شبکه‌های آبیاری در فارس و جنوب که دارای اهمیت حیاتی می‌باشند، اقداماتی صورت گرفت. کریم‌خان در اواخر سلطنت خود درصدد جنگ با عثمانی بود و بعد از ماه‌ها محاصره توانست بصره را تسخیر کند و برادر خود صادق‌خان را در آنجا بگمارد. او مردی ساده و عادل بود که با مرگ وی دوره کوتاهی آرامش و امنیت به پایان رسید. پس از مرگ او در عرض یک سال ۴ نفر حکومت را در دست گرفتند و در آخر برادر او صادق‌خان (۱۱۹۴ تا ۱۱۹۶) قدرت را در دست گرفت. او با طغیان علیمرادخان زند مواجه شد که ماه‌ها شیراز را در محاصره گرفت و توانست شهر را بگیرد و صادق‌خان را کور کند. دو روز پس از این واقعه صادق‌خان را کشت.

علیمرادخان (۱۱۹۶ تا ۱۱۹۹ هجری قمری)

اصفهان را پایتخت خویش کرد. به قصد گرفتن مازندران در تهران بود که شنید جعفرخان حکومت را در اصفهان به دست گرفته، در راه بازگشت به اصفهان در اثر بیماری در مورچه‌خورت درگذشت.

جعفرخان (۱۱۹۹ تا ۱۲۰۳ هجری قمری)

پسر صادق‌خان مواجه با تاخت و تاز آقامحمدخان قاجار شد و از او شکست خورد. جعفرخان به دست عده‌ای از خوانین زند کشته شد.

لطفعلی‌خان (۱۲۰۳ تا ۱۲۰۹ هجری قمری)

پسر جعفرخان بود. دورهٔ سلطنت او تماماً در جنگ با آقامحمدخان گذشت. مقرر حکومت او شیراز بود که با خیانت ابراهیم شیرازی، کلاتر شیراز به دست آقامحمدخان افتاد. لطفعلی خان به کرمان رفت و در کرمان مدت‌ها در مقابل آقامحمدخان مقاومت کرد. با فتح کرمان به دست آقامحمدخان به بم رفت و در آنجا آقامحمدخان بر او دست یافت. با کشته شدن لطفعلی خان حکومت زندیه خاتمه یافت. مدفن او در امامزاده زید تهران است.

اشاره ای به تاریخ زندیه

زندیه سلسله‌ای از پادشاهان ایران که از سال ۱۱۶۴ - ۱۲۰۹ هجری قمری بر بیشتر ممالک ایران سلطنت نمودند و اولین آن کریم خان و واپسین آنها لطفعلی خان بود. سلسله مزبور پس از قتل نادر شاه از سال ۱۱۶۲ تا ۱۲۰۹ هجری قمری در فارس و افغان سلطنت کرد و به دست آقا محمدخان قاجار منقرض شد. اما به تخت نشستن لطفعلی خان بیش از شش سال نپایید و به سال ۱۲۰۹ هـ.ق به دست آقامحمدخان قاجار به قتل رسید.

هنگامی که به تواریخ فوق می‌نگریم حتی بدون هیچ شناختی از دورهٔ زندیه به این نتیجه می‌رسیم که وضعیت و شرایط ایران دارای تشنجات و ناآرامی‌های زیادی بوده است زیرا در شرایط عادی نادر جماعتی است که به هر فصل پادشاهی آورد و به هر روز امیری بگمارد ابوالفتح خان، علیمرادخان، محمدعلی خان و صادق خان هر سه به سال ۱۱۹۳ هجری قمری بر تخت نشستند. خود شاهدهی بر عدم وجود امنیت سیاسی و اجتماعی روزگار است که اوراق کهنه تاریخ شهادت بر آن می‌دهد که عدم امنیت سیاسی و اجتماعی، همیشه و همه حال هنر و فرهنگ را نیز

تحت الشعاع قرار خواهد داد که خود جای بحث و مجادله‌ای دگر دارد و نمی‌توان در این اوراق بدان پرداخت.

همیشه تاریخ برای پژوهشگران علوم سیاسی و دانش‌های هنری و فرهنگی در پرده‌ای از ابهامات قرار داشته است اما آنچه از نوشته‌ها و نگاشته‌ها برمی‌آید حکومت زندیه و پادشاهانش همیشه در حال جنگ‌های داخلی بوده‌اند و تنها در حدود ۲۰ سال از حکومت کریم‌خان کشور یک آرامش نسبی را به خود دید و وقایع این دوران به تفصیل در کتاب‌های تاریخ گیتی گشا نوشته محمد صادق موسوی نامی، مجمل التواریخ بعد نادریه نوشته ابوالحسن بن امین گلستانه روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس، گلشن راز نوشته ابوالحسن فخاری کاشانی و غیره می‌توان یافت. پادشاهی زندیه با بر تخت نشستن کریم‌خان آغاز می‌شود کریم‌خان زند از طوایف لک و پسر ایناق بود. پس از فوت پدر با برادرش صادق‌خان بزرگ طایفه زند شدند و به سال ۱۱۶۲ هجری قمری به سپاه ابراهیم‌خان برادرزاده نادرشاه پیوست، چون ابراهیم به دست نوه نادر کشته شد کریم‌خان قدرتی یافت و سرانجام بر علیمرادخان بختیاری و محمدحسن‌خان قاجار و آزادخان افغان و فتحعلی‌خان افشار پیروز شد و به استثناء آزادخان دیگر رقیبان او کشته شدند.

علیمرادخان پس از شکست از کریم‌خان زند از شیراز به کرمانشاه رفت و شاه اسماعیل سوم که قبلاً به پادشاهی نشسته بود به کریم‌خان پیوست (۱۱۶۵ هجری قمری) و کار کریم‌خان بالا گرفت و چون خویشان را وکیل وی کرده بود به وکیل معروف شد علیمرادخان در کرمانشاه سپاهی فراهم ساخت و به مقابله با کریم‌خان پرداخت اما در ناحیه بیل آور شکست خورد و به دست

محمدخان زند کشته شد محمدخان از بزرگان زندیه بود که از کریم خان روی گردان شده و به علیمرادخان پیوسته بود اما پس از کشتن علیمرادخان مورد عفو کریم خان قرار گرفت پس از آن واقعه، کریم خان برای دفع محمدحسن خان به گرگان لشکر کشید اما کاری از پیش نبرد. در این میان شاه اسماعیل سوم به برادری محمدحسن خان پیوست و او را نایب السلطنه کرد، بدان جهت شکست در سپاه کریم خان افتاد و به اصفهان عقب نشست.

در نبرد دیگری که در سال ۱۱۷۱ هجری قمری در گرفت کریم خان از اصفهان به شیراز رفت و متحصن شد. اما سپاه محمدحسن خان نتوانست محاصره شیراز را ادامه دهد و ناچار به استرآباد بازگشت و در جنگی به دست فتحعلی خان زند کشته شد. از دیگر رقبای کریم خان آزادخان افغان سردار سپاه نادر بود که ادعای سلطنت داشت. به سال ۱۱۶۷ هجری قمری در نبردی که میان او و کریم خان در ناحیه بروجرد در گرفت کریم خان شکست خورد اما سرانجام بر او غلبه کرد و او در سال ۱۱۷۵ هجری قمری خود را تسلیم کریم خان کرد و تا آخر عمر مورد محبت خان زند بود.

در سالهای ۱۱۷۴ و ۱۱۷۵ هجری قمری کریم خان به دفع فتحعلی خان افشار آراشلو پرداخت البته در ناحیه قره چمن از وی شکست خورد اما سرانجام بر وی غلبه کرد فتحعلی خان به ارومیه گریخت کریم خان ۹ ماه ارومیه را محاصره کرد و در سال ۱۱۶۷ هجری قمری فتحعلی خان تسلیم شد و مورد محبت او قرار گرفت اما چون سوء نیت وی بر کریم خان مسلم شد امر به کشتن او داد در سال ۱۱۷۷ هجری قمری والی بغداد به تحریک ولی مطلب مشعشی به خوزستان تاخت

کریم خان به خوزستان رفت و طایفه آل کثیر و سعد را سرکوب کرد و لشکری به سر کردگی صادق خان برادر خویش به بصره فرستاد و آنجا را تصرف کرد پس از این به تنظیم امور پرداخت و در آباد کردن شیراز کوشش بسیار نمود.

در دوره کریم خان بیشتر شهرهائی در قلمرو حکومت او بود. آباد گردید مخصوصاً شیراز پایتخت ولی بسیار باشکوه بود و بناهای زیبائی از قبیل ارگ کریم خان، بازار و کیل و مسجد و کیل در آنجا ساخته شد از شاعران این دوره لطفعلی بیگ آذر، سید احمد هاتف، سلیمان بیگدلی، و صباحی نام برد. سلسله زندیه منسوب به زند که نام طایفه‌ای از الوار فیلی است در حدود قلعه پری از توابع ملایر سکونت داشتند و مقارن فتنه افغان این طایفه در محل سکونت خود قدرتی یافتند. در اوایل دوره قدرت نادرشاه بابا خان چاپشلو با تدبیر بر رؤسای این طایفه دست یافت و جمعی از آنها را کشت و بقیه را به خراسان کوچ داد بعد از قتل نادر طایفه زند تحت سرپرستی کریم خان از هرج و مرج ایام بعد از قتل نادر استفاده کرد و به دعوی سلطنت برخاست. در احوال کریم خان آورده‌اند که ایشان تنومند، قوی هیکل، نیرومند، شجاع و رئوف بود و با پیروان مذاهب مختلف به عدل رفتار می کرد.

در لباس تکلف نمی کرد و گاهی لباسش مندرس می نمود خود را به جواهر نمی آراست شبها مجلس عیش می آراست و شراب می خورد اندک می خوابید و روزی دو بار سلام عام می داد مسکوکات وی نقشی چنین داشت. از بناهای بنام دوره زندیه می توان به حمام و کیل شیراز، بازار و کیل شیراز، مسجد و کیل شیراز، بقعه شاه میر علی بن حمزه شیراز (دروازه قرآن)؟ مدرسه

سپه سالار قدیم تهران، مدرسه مرروی تهران مدرسۀ شیخ عبدالحسین تهران، مسجد علیقلی آقا اصفهان، عمارت خورشیدی کلات نادری در خراسان باغ و عمارت هفت تن شیراز باغ کوشک کریم خان شیراز (مقبره خان زند) حمام علیقلی آقا اصفهان عمارت کلاه فرنگی (موزه پارس) شیراز.

کریمخان به بنا و بناسازی علاقه فراوان داشت و ابنیه‌های فوق‌الذکر گواه این امر است ایشان حتی نام محلات شهر شیراز را خود انتخاب می‌کرد، محله سیم شیراز محله بالا کفت به کسر کلاف و و سکون، بعضی دوش و سر دوش را گویند و این محله را بالا کت و بال کت و بال که نیز گویند و از زمانی که پادشاه عصر زند حصار شیراز را کوچک نمود محله باغ نو و این محله را یک محله فرمود و همه را بالا کفت گفتند.

کریم خان به سال ۱۱۹۳ هجری قمری در شیراز در گذشت و مدت سلطنتی ۳۰ سال بیشتر نبود و هفت پادشاه که یکی بعد از دیگری بیامند نه توانستند حامی مردم باشند و نه کشور را در آرامی نگه دارند و روزی نبود که خانه‌ای نسوزد و جدالی در نگیرد. و آخر کلام ایران در آن دوران تنها در ۲۰ ساله آخر حکومت کریم خان در حالتی نسبتاً آرام زی کرد و بعد از کریم خان هم ۲۰ سال بیشتر دوام نیافت و خود قضاوت کنید کدام فرهنگ و هنری توان رشد و ترقی در این عهد را دارد.

نقاشان و نقاشی دوره زندیه

گل و گلدان، مرغ و آسمان، اینها واژگانی است که همیشه در ذهن ایرانی دیوار نگاره‌ها و کاشیکاری‌های مساجد، مفروشات اتاق‌ها و نقاشی‌های زیبای ایرانی تداومی می‌شود. گل ارزشی معنوی در ادبیات ما دارد و خاک نیز بدین گونه است، گل نماد حیات است و گویای صفات و خاک نشان ذات است و رشد بنات و نبات آری نقاش ایرانی که با قلمش ذکر آیات می‌کند این بار سرشت و ذاتش را به معنی گلدان آورده و زندگی و صفاتش را به گلستان ساخته و از سوئی دیگر خاک عالم اسفل است و آن گل پاک موطنی اکمل که استعاره از بهشت است که رویاهای هنرمندان مشرق زمین است.

این آفریده دهن که بر دیوارها و قالی‌های مردم خاوران نقش بسته است در عصر صفویه، با ختائی‌ها و اسلیمی‌های به هم بافته و دوش به دوش یکدیگر ساخته که همه به نقطه‌ای خاص سر برآورده بود در عصر زندیه چونان موطنشان این کهن بوم و برافشان و آشفته بر نگاره کاشی‌ها نقش بستند اما این با مرغکان زیبا به زینت درختان نشسته بودند و درختان به گلستان زنبق و محمدی و ناز و نسترن آزرین شده بودند (شهر شیراز با پشتوانه غنی و پر باری که در پرورش ذوق‌ها و استعدادها داراست عامل بسیار سرنوشت‌ساز و عمده‌ای در پیشبرد اهداف خیرخواهانه وکیل‌الرعایا به حساب می‌آید.

شیراز از یک سوی شهر و مرکز و خاستگاه شعر است و از دیگر سوی و ارث ارزش‌های پردوام و قدمت هنرهای سنتی و به ویژه نگارگری است. هنوز شهرت و آوازه هنرمندان مکتب شیراز و آثار و یادگارهایشان از خاطره‌ها نرفته است. همان مکتب اصیل و ارزشمندی که در قرن

دهم هجری با ظهور و تولد نام آوران نگارگر شهر شیراز چشم انداز نوینی را به جهان نگارگری گشود. تردیدی نیست که زبان هنر در این روزگار قرار و سکون، بعد از آن همه غارت و آشوب، می بایست جوابگوی و دل های آزمند و به دیگر کلام چونان مرهمی التیام بخش زخم های کهنه و اندیشه های طالب لطافت و ظرافت و سکون باشد.

با چنین نیاز و ضرورتی است که شیراز شهر گل شهر شعر، شهر سروهای سر به فلک کشیده و شهر باغ و بستان، انگیزه های دل بستن به گل و گیاه و پرنده را در روح و اندیشه هنرمندان این دوران ایجاد می کند، همان به ظاهر تفنن و رغبتی به جاودانگی گل و بوته و پرنده در نگارگری ایران که بعدها با همت نگارگران نام آشنای هنر ایران مقدمات ثبت مکتب نوین گل را برای همیشه در تاریخ هنر ایران و جهان آماده می سازد.

شکی نیست که سرای تجربه های پر سود و و عمر نگارگران دوران صفوی و شاید هم به زمانی کهن تر از آنان در تجلیل از گل و گیاه و پرنده و ستایش این خلقت بی همتا در نگارگری ایران حرکت تازه نگارگران ایرانی حرکت تازه ای از این ستایش و نگاه را سبب می شود. چه در این دوران خلافت گذشته که گل و گیاه پرنده با نقش و حضوری مستقل ذهن و اندیشه نگارگران را به خود مشغول می دارد. در این راه شاید به حق و شایسته باید بدعت تازه را مدیون تفکر و خلاقیت و ابتکار هنرمندی دانست که در اواخر عهد افشاریه (تا اوایل زندیه) نهضت مکتب گل را آغاز گر بود و راهبر، و این هنرمند خلاق کسی نیست جز علی اشرف از ایل معروف افشار ارومی که چونان ستاره های تابناک در آسمان هنر نگارگری قرن ۱۲ هجری قمری درخشید و چه خوش

درخشید از احوال و چگونگی زندگی این هنرمند، با تأسف اطلاعات چندان مفیدی در دست نیست، چه او نیز همانند سایر نگارگران مستعد و با هنر، شرح زندگیش دره هاله‌ای از ابهام مانده است.

با این هنر در نقد و نگرش بر آثار ارزنده هنرمند می‌توان دریافت که با توجه به نشانه‌های همگونی و تشابه به هنر و ذوق او با قلم محمد زمان اول به ویژه در زمینه گل و بوته او می‌بایست مدت زمانی را در خدمت و محضر محمد زمان اول نقاش چیره دست عصر صفوی گذرانده باشد. علی اشرف را باید هنرمند عاشق و شیفته گل و مرغ شناخت او گوئی باغبانی گلستان هنر ایران را پیشه کرده است و به تمامی زندگیش در این راه با تمام ذوق و خلاقیت مایه گذاشته است.

علی اشرف با چنین مایه شور و شوقی است که چه بسا برای نخستین بار با مدد رنگ‌های جانانه و شاد و سایه پردازی‌های ماهرانه هنر ایران را گل گونه و چه بحق تر همیشه بهار و سرسبز و پر گل می‌سازد با چنین مرغان و پرندگان که تنها می‌شود گفت حاصل خیال و ذوق نقاش هستند و در مقایسه با سایر مرغان و پرندگان هنر ایران بی‌همتایند و نمونه. او، سوای ذوق و درایت و هنر در این شیوه نوین نقش و نگاه هزینه‌ای پر استعداد در سایر زمینه‌های هنرهای تجسمی کهن ایران نیز به شمار می‌رود و شگفت‌انگیز آن که به گاه، خط نویسی آنچنان نسخ را روان و شیرین نوشته است و در کار خط نستعلیق استادی نشان داده شده است، که بی‌مبالغه می‌توان گفت علی اشرف، اگر نقاشی تنها دلبستگی‌اش نمی‌بود چه بسیار که در تراز هنرمندان خوشنویس و ماندگار تاریخ خط خوشنویسی ایران قرار می‌گرفت.

آثار این هنرمندان را می توان در جلوه های گل و مرغی و بیشتر قلمدان های نفیسی مورد مطالعه قرار داد که اغلب طی سنوات «۱۱۳۵» تا «۱۱۶۵» را شامل می شود (دو سال اول حکومت کریم خان را تواریخ مذکور دربرمی گیرد) این آثار در موزه های ایران و خارج از ایران و گاه مجموعه های شخصی نگاهداری و به یادگار مانده است. شاخص ترین و شاید هم لایق ترین شاگرد و پیرو علی اشرف در زمینه نقاشی گل و بوته، سوای، آقا باقر و «آقا نجف» و «آقا زمان» که اینان نیز از نخبگان هنر نگارگری زمانه خود هستند، نقاش هنرمندی است، به نام آقا صادق با سجع (یا صادق الوعد) پا به عرصه هنر می نهد. ولی یقیناً به پاس ارادتی که به علی اشرف داشته است و به دلیل تجارب ارزنده و سودمندی که در محضر پر مهر علی اشرف آموخته است، تا دم آخرین زندگی، بر این شاگردی می بالد و پربهاترین آثارش را با سجع «صادق از لطف علی اشرف شد» مزین می سازد و بدین ترتیب میزان ارادت و اخلاصش را به استادش آشکار می سازد.

وی از نام آشناترین نگارگران عصر زندیه است و به دیگر کلام، اگر مکتب گل را علی اشرف و هنرمندان پیشین پایه می نهد، او با ذوق وافرش این مکتب را در عرصه هنر ایران آبرو و اعتباری تازه می بخشد. تا به آنجا که در کار ساختن گل و مرغ، گاه آنچنان مهارت و استادی به خرج داده که از استادش علی اشرف نیز در سایه پردازی و نمایاندن حالت پرندگان و مرغان و طراوت و لطافت گل ها پیشی گرفته است. آقا صادق نیز همانند سایر استادان این شیوه بدیع هنری، بیشترین نمود هنری اش را می توان در قاب آینه ها و قلمدان ها مشاهده کرد که به سفارش این و آن با نقاشی های استادانه اش از خود به یادگار گذاشته است.

با توجه به رواج و رونق معماری اصیل و پر صلابت عصر زندیه، هنرهای سنتی ایران نیز به صورت آرایش و تزئین این بناها، حیاتی دوباره می‌یابد. هنرهای همانند کاشی‌سازی، گچ‌بری، منبت‌کاری، و مهم‌تر نقاشی دیواری در نقش‌های به یادگار مانده و هر از هنرهای یاد شده، همچنان نفوذ و سلطه اندیشه هنرمندان دوستان گل و مرغ آشکارا دیده می‌شود و به دیگر مفهوم این هزینه‌ها نیز همگام، با رواج گل و بوته و مرغ در نقاشی قاب آینه‌ها و قلمدان‌ها و پشت جلد در نقش‌های کاشی و گچ و سنگ نیز متجلی می‌شدند.

زیباترین نمونه‌های این تحول را هم امروز می‌توان در کاشیکاری‌های مساجد جامع و وکیل شیراز و حجاری‌ها و گچ‌بری‌ها به یادگار مانده، از عصر وکیل‌الرعیایا در بناهای دیدنی عصر این سلطان مشاهده کرد. که به تمامی نمایانگر تأثیر از ذوق و سلیقه هنرمندان و پیروان مکتب گل و رواتر شیفتگان گل است. هم در این رابطه است که آقا صادق، نگارگر نام‌آشنای عصر کریمخان زند به فرمان او پنج تابلوی نقاشی دیواری در تکیه هفت تنان (واقع در دامنه کوه چهل مقام) از خود به یادگار می‌گذارد این تابلوها که به کرات مرمت و بازسازی شده‌اند عبارتند از: تصویر شیخ صنعان، مجلس ابراهیم خلیل و قربانی اسماعیل به صورت موسی و شبان گوسفندان و در دو تصویر از دو درویش پیر و جوان که به رغم و سلیقه جمعی می‌بایست از شیخ اجل سعدی و حافظ الهام گرفته شده باشد.

مکتب گل، بعد از آقا صادق و یارانش، اگر جلوه و جلای دوباره‌ای یافته باشد و به حیات خود ادامه داده باشد بی تردید این جلوه و حیات را می‌بایست مدیون ذوق و استعداد هنرمندی نابغه یعنی لطفعلی خان شیرازی دانست که در اوایل عهد محمدشاه قاجار وارد کار هنر گردیده و با توجه به تاریخ نقاشی هایش می‌بایست تا اواسط عصر ناصرالدین شاه قاجار دست و دل از کشیدن نقش بر نکشیده باشد. جان ربرتو اسکار چیا این گونه می‌گوید شیراز در این دوره شاهد رشد گرایش به تلفیق و ترکیب قالب‌های صفوی، سبک اساساً چهره نگاری درباری اروپائی و ذوق و سلیقه‌های میانه بود نتیجه تلقیه خامه ستانه و خشن بود، چون هنرمندان عهد زندیه به خاطر اصلاح تأکید مضاعف و مورد نظرشان برسد بعدیت، در صدد بر آمدند تا ترکیب‌بندی آثار را با وارد کردن عناصر عارض تزئینی دسته‌ای از گل‌های دل‌انگیز رنگارنگ بر روی ردای پیگیرها، پارچه‌ها، پرده‌ها، چارچوب‌ها و کف اتاق‌ها، تاحدودی روشن و دلچسب سازند. البته ادامه این روش تلفیق عناصر تصویری سه بعدی و تزئینی دو بعدی تاریخ درخشانی را در نقاشی عصر فتحعلی شاه قاجار به بار می‌آورد.

بارزترین مشخصه نقاشی صده دوازدهم رواج گونه‌های تازه هنر تصویری است. بسیاری از نقاشان این دوره استعدادشان را عمدتاً در تزئین اشیای چون قلمدان، قاب آینه، جلد کتاب، صندوقچه جواهر، سینی و جز اینها به کار بردند این نوع نقاشی که زیر لاکی نام گرفته است از میانه صده یازدهم هجری متداول شد. (محملاً محمد زمان نخستین کسی بود که به قلمدان نگاری پرداخت).

در ابتدا موضوع‌های رایج عبارت بودند از: گل و بلبل، تک‌چهرهٔ زنان، و یا چند پیکر با منظره‌ای در پس زمینه بعدها قطعات تذهیب و خوشنویسی نیز به ترکیب بندی‌های تصویری افزوده شدند. رواج قلمدان نگاری را می‌توان با عواملی چون رکود مصوسازی کتاب در دربار، پیدائی حامیان جدید از میان دولتمردان شهری، و اهمیت موقعیت حرفه‌ای نقاش مرتبط دانست.

محمد تقی احسانی در کتاب جلوه‌ها و قلمدان‌های ایرانی این گونه می‌گوید:

«در عصر کریم خان زند حسن خداداد و فرزندش محمد خداداد از هنرمندان بزرگ این عصر شناخته می‌شوند و مورد مهر و تشویق خاندان زند قرار داشتند. آثار این هنرمند بسیار کم و نایبند، سجع حسن خداداد (حسن کلک حسن خداداد) است و با نستعلیق خوش به آثارش باقی مانده است دیگر از نقاشان این عصر علی اشرف بودند که در ساخت گل و بوته و دار و درخت چیره دست بود. سجع این هنرمند «از بعد علی اشرف است» می‌باشد. آقا صادق و میرزا بابا از قلمدان سازان و صورتگران عصر شاهان و شاهزادگان زند بودند که تا عهد فتحعلی‌شاه زیستند. سجع صادق در هنر تجلید روغنی و قلمدان سازی (یا صادق الوعد است)».

استاد پرویز تناولی درباره نقاشی دوره زندیه چنین می‌گوید. با آمدن سلسله زندیه صلح و آرامش دوباره به ایران باز گردید و این بار شیراز مرکز هنر و هنرمندان ایرانی شد و هنر تصویرگری به اوج خود رسید و هنر تصویری در همه جا و همه رشته‌ها از جمله روی سنگ

کاشی و گچ نقش بست و نقاشان زیادی به تهیه تابلوهای از شاهزادگان و رقاصان و نوازندگان پرداختند و کار تصویرگری از انحصار کاخ‌ها بیرون آمد و به داخل خانه‌ها اشراف راه یافت اما عمر سلسله زندیه چنین نپایید و سلسله قاجار تهران را به عنوان پایتختی دیگر برگزید.

نقاشی زیر لاکی عهد زندیان به لحاظ سبک با نقاشی رنگ روغنی و دیوارنگاری آن زمان پیوند داشت به درست همان گونه که دیوارنگاری سده یازدهم با یکدیگر مرتبط بودند چون محمد صادق در همه زمینه‌های نقاشی فعال بود این ارتباط در آثارش آشکارتر است. نقاشی عهد زندیه که خود ادامه‌دهنده سنت فرنگی سازی صفوی بود با مختصر تغییری به دوره قاجاریه راه یافت می‌توان گفت که مکتب موسوم به قاجاری از عهد کریم‌خان زند آغاز شد. به هر حال دو عنصر بسیار مهم در نقاشی عهد زندیه بسیار پراهمیت است و آن گل و مرغ با نقش خاصی گل فرنگ و همچنین نقاشی درباری که پلی بود برای تکامل نقاشی گل و مرغ و نقاشی درباری در عهد قاجار که پایه آن در اواخر صفویه توسط محمد زمان و پیرانش بنا نهاده شده بود.